کرباسچی چهره شاخص اصلاح طلب و حزب کارگزاران:

مردم باید احساس کنند در عصبانیتی که دارند تنها نیستند

■ غلامحسین کرباسچی، بر این عقیده است که گرفتاری‌های اقتصادی خیلی مردم را ناامید می‌کند، مردم را عصبانی می‌کند و یک بخشی از رأی‌ندادن‌ها معلول عصبانیتی است که بخشی از آن مربوط به مسائل اقتصادی است.

سرویس سیاسی – «غلامحسین کرباسچی» به ندرت مصاحبه می کند. معمولا هم به پاسخ هایی کوتاه بسنده می کند. با این حال صریح و روشن سخن می گوید. این روزها او نیز همانند بسیاری از فعالان سیاسی کشور درگیر یک انتخابات سرنوشت ساز است. انتخاباتی که اگرچه تا به امروز نتوانسته خاطرات باشکوه سال های ۹۶ و ۷۶ را زنده کند اما گروه های مختلف سیاسی کشور را بار دیگر سر ذوق آورده تا شاید دیگربار بتوانند کشور را از بحران های پی در پی بیرون بیاورند.

او در گپ و گفتی که در همین روزهای انتخاباتی داشت، تایید صلاحیت پزشکیان در انتخابات پیش رو را یک فرصت می داند و می گوید؛«به کسی رأی دهیم که تورم را بالا نبرد، روی اعصاب مردم راه نرود، یقه مردم را در خیابان نگیرد. خیلی وقت‌ها شما یک آدم‌هایی را باید انتخاب کنید، نه برای این‌که یک کاری را بکنند، برای این‌که یک کاری را نکنند.» کرباسچی ابایی ندارد از اینکه صریحا بگوید فعالیت سیاسی برای کسب قدرت است و تاکید دارد؛«معلوم است که افراد سیاسی می‌خواهند در حکومت باقی بمانند.» او پزشکیان را یک مدیر صادق می داند و می گوید؛« به او می گویم خودت باش» با کرباسچی از انتخابات ۷۶ و تصمیم خاتمی برای کاندیداتوری حرف زدیم، از روزهای حضورش در شهرداری تهران و زندانی شدن، از استانداری اصفهان، از انتخابات ۱۴۰۳ و ....

مشروح گفتگو با غلامحسین کرباسچی، دبیرکل پیشین حزب کارگزاران را بخوانید؛

۴۶ سال از انقلاب می گذرد و ما همواره این جمله «ما در شرایط حساس کنونی به سر می بریم» را می شنویم. این جمله را آن قدر به مناسبت و بی مناسبت شنیده ایم که از فرط تکرار به امر مبتذلی تبدیل شده. این روزها هم مجددا این جمله بسیار تکرار می شود، اگر شما هم معتقد هستید این موضوع واقعیت دارد فکر می کنید فرق الان با شرایط حساس گذشته چه بوده ؟

شرایط حساس کنونی یعنی چه؟ یعنی ما هر وقت مسائل مردم را نمی توانیم حل کنیم این مسائل روی هم انباشته می شود و تبدیل می شود به شرایط حساس. واقعیت این است که از ابتدا خیلی از مسائل روی هم انباشته شده و هنوز نتوانسته ایم تکلیف خیلی از مسائل ساده را روشن کنیم.

خوب و بد آدم ها نه به ریش است نه به بی ریشی

ما هنوز نتوانسته ایم بر سر این مسئله توافق کنیم که خوب و بد آدم ها نه به ریش است و نه به بی ریشی. نه به موی بلند و نه به موی کوتاه. این مثال ساده را برای این زدم که شما هم ریشتان بلند است و هم گیستان و خیلی ها ممکن است شما را بر اساس همین ظاهرتان قضاوت کنند.

پس معتقدید که ما هنوز از شرایط حساس کنونی عبور نکرده ایم؟

بله، یعنی از یک سری مسائل ساده هنوز عبور نکرده ایم. فرضا در مورد ایران با این سابقه باستانی و ملیت هنوز نتوانسته ایم برای عده ای این موضوع را حل کنیم که خدا و پیغمبر بجای خود ولی ایران باستان و کوروش و تخت جمشید هم جزو ایران هستند. برای چه باید با این موضوع لجاجت کنیم و نیرو بفرستیم که کسی سر قبر کوروش نرود.

این پیوند البته قبلا وجود داشته. شیرخدا و رستم دستان درکنار یکدیگر می آمده.

از حیث هویتی این ها اصلا از هم جدا نیست،خدا آقای مطهری را رحمت کند ایشان کتاب«خدمات متقابل اسلام و ایران» را برای این نوشت تا به خیلی ها اثبات کند که ایرانی بودن و مسلمان بودن دوچیز جدا از هم نیستند.

در همه انتخابات ها شرکت کرده ام به جز...

این دوقطبی ایجادکردن از هنرهای ما است.

چون یک عده‌ای حرفی برای گفتن ندارند، به یک چیزهایی متوسل می‌شوند که واقعیت ندارد و به تعبیری ابهت و عظمت آن چیز را هم از بین می‌برند و خیلی ناجوانمردانه با خیلی از ارزش‌ها برخورد می‌کنند.

شما در دو، سه انتخابات اخیر شرکت کردید؟

من فکر می کنم در همه انتخابات‌ها در جمهوری اسلامی شرکت کردم، غیر از مرحله دوم این انتخابات ۱۴۰۰.

با استدلال شرکت نکردید؟

دیگر دیدم خیلی معلوم است و این لیستی که آمده بالا، الحمدلله یکدست هستند و هر کسی برود، فرقی نمی‌کند؛ یعنی به آن معنا انتخابی نبود. قبلش چهار تا آدمی بود که آدم می‌گفت شاید این‌ها بهتر از بقیه باشند، ولی این‌ها همه سر و ته یک کرباس بودند.

خیلی وقت ها باید آدم هایی را انتخاب کرد برای اینکه کاری نکنند نه برای اینکه کاری کنند!

من هم با همین استدلال در دو، سه انتخابات اخیر شرکت نکردم. در روزنامه شما هم نوشتم. استدلالم این بود که انتخابات معنا دارد و معنای حداقلی‌اش این است که صاحب گفتمان‌های کلان سیاسی در انتخابات شرکت دارند و مردم می‌توانند به آن کسی که دلشان می‌خواهد رأی دهند.

خیلی وقت‌ها شما یک آدم‌هایی را باید انتخاب کنید، نه برای این‌که یک کاری را بکنند، برای این‌که یک کاری را نکنند. یعنی اگر ما یک آدم‌هایی، یک مدیرهایی، حالا وکیل، وزیر، نماینده یا رئیس جمهوری داشته باشیم و از او خواهش کنیم که کار بد نکن و او هم به حرف ما گوش کند باید برویم و خدارا شکر کنیم. بعضی از این منتخبین هستند که آدم قانع به این است که این‌ها کار بد نمی‌کنند؛ حالا کار خوب هم از آن‌ها نمی‌آید، ولی کار بدنکردن هم خودش یک انتخاب خیلی مهمی است، یعنی ما اگر کسانی را از اول انقلاب تا حالا انتخاب می‌کردیم که کار بد نمی‌کردند، شاید شرایطمان این نبود. یعنی یک کسی یکدفعه آمد و کل برنامه کشور را گذاشت کنار و گفت اصلا سازمان برنامه نمی‌خواهیم. بعد یکمرتبه ۹۰۰-۸۰۰ میلیارد دلار بر اساس بی‌برنامگی و بی توجهی از دست رفت. بنابراین همیشه این نیست که شما یک استراتژی را انتخاب کنی. گاهی حتی انتظارات ما خیلی پایین تر از این حرف هاست. یادتان هست در دوره ریاست آقای لاریجانی بر مجلس یک عده می خواستند یک قطعنامه را آتش بزنند اما نزدیک بوده مجلس را آتش بزنند؟ یعنی گاهی ما انتظارمان در این حد است که آقای نماینده مجلس هر طوری می‌خواهی فکر کن، ولی خودت و مجلس را به آتش نکش. نکردن بعضی از کارهای بد شاید کم‌اهمیت‌تر از کار خوب‌کردن نباشد.

گاهی اوقات طرف مقابل یک خطای محاسبه‌ای می کند و تو باید از فرصت استفاده کنی

با همه این ها فکر می کنم این انتخاباتی که الان می‌خواهیم برگزار کنیم، با این دو، سه انتخابات اخیر یک تفاوتی قائل هستید؟

من فکر می‌کنم ما هر چقدر با مسئولان مختلف در رده‌های بالا و پایین اختلاف نظر داشته باشیم، نمی‌توانیم این را انکار کنیم که بالاخره این درگیری‌ها و این جنگ و دعواها و این تعامل‌های خشن و غیرخشن در هر دو طرف اثر می‌گذارد و کمی هر دو طرف را به واقعیت نزدیک می‌کند. یعنی همین که در این انتخابات یک روزنه‌ای گشوده شده، این نشان می‌دهد که بعضی ها نسبت به عملکردشان در این سال ها، یک توجه و تجدیدنظر ویژه ای داشته‌اند. ولو این‌که ایده‌آلشان یا آنطوری که فکر کردند در ذهنشان این باشد که نهایتا همان که ما می‌خواهیم انتخاب شود، ولی لااقل در ویترینشان جنس‌های مختلف را بگذارند برای این‌که ارباب رجوع آن‌ها بیشتر شود. البته گاهی اوقات در همین تعریف و در همین تصمیم یکدفعه یک اتفاقی رخ می‌دهد، یک فرصتی پیش می‌آید که اگر مردم عنایت کنند، از همین فرصت می‌شود استفاده کرد و یک اقدامات خوبی را انجام داد. یعنی گاهی اوقات طرف شما بر اساس یک اشتباه و بر اساس یک خطای محاسبه‌ای اقدام می‌کند و تو باید از آن فرصت استفاده کنی و به آن چیزی که می‌خواهی، یک کمی لااقل نزدیک‌تر شوی.

همه آدم های زیرک هم ممکن است اشتباه محاسبه کنند

به نظر می آید که شما دنبال همان فرصت هستید.

همیشه در دعواها و درگیری‌ها همینطور است. شما وقتی کشتی هم می‌خواهی بگیری، بالاخره طرف باید یک پایی بدهد تا شما بتوانی...

واقعا فکر می‌کنید آن طرفی که چندبار اشتباه محاسباتی کرده مثل ۹۲ و ۷۶ هنوز اینقدر زیرک نشده که دیگر از این اشتباه‌ها نکند؟

همه آدم‌های زیرک هم بالاخره ممکن است یک وقتی اشتباه محاسبه کنند.

نه انقدر پشت هم.

> **او در گپ و گفتی که در همین روزهای انتخاباتی داشت، تایید صلاحیت پزشکیان در انتخابات پیش رو را یک فرصت می داند و می گوید؛«به کسی رأی دهیم که تورم را بالا نبرد، روی اعصاب مردم راه نرود، یقه مردم را در خیابان نگیرد. خیلی وقت‌ها شما یک آدم‌هایی را باید انتخاب کنید، نه برای این‌که یک کاری را بکنند، برای این‌که یک کاری را نکنند.»**

نه، اینطوری نیست. پشت سر هم نیست؛ شما دو تا انتخابات داشتید که هیچ روزنه‌ای در آن باز نبوده. این یک ضربه‌ای، یک مشکلی در کل ایجاد می‌کند که شما مجبور هستی بالاخره بروی دنبال یک مداوایی.

یعنی الان خوشبینانه فکر می‌کنید آن انتخابات قبلی باعث شده که این یک مقدار...

یا خیلی محاسبه پیچیده‌ای است که ما سرمان نمی‌شود که من دلم نمی‌خواهد اینطوری فکر کنم، چون آنقدر هم که فکر می‌کنیم طرفمان باید زیرک باشد، نیست. خیلی وقت‌ها دیدیم که اشتباهات فاحشی را در مجموعه تصمیم‌گیری‌هایش انجام می‌دهد. علاوه بر این احتمال خطای در محاسبه هم کم نیست. به قول عرب‌ها که می‌گویند خیلی وقت‌ها یک اسب خیلی تندرو و خیلی زیرک، پایش یک جایی گیر می‌کند. یعنی یک وقت‌هایی یک اشتباهاتی از یک آدم‌های خیلی بزرگ، از آدم‌های خیلی توانمند و زیرک سر می زند که حیرت دیگران را برمی انگیزد.

انتخابات یک چیز ناموسی برای کشور است حتی اگر رأی نیاوریم

شما هم امیدتان به همین است؟

در همه درگیری‌ها و همه رودررویی‌ها آدم منتظر است که از طرف مقابل کوچک ترین لغزشی سر بزند.

اگر به هر دلیلی، مثلا خبری به شما برسد و یا خودتان به این تحلیل برسید که رأی نمی‌آورید، باز هم شرکت می‌کنید؟

بله، من شرکت می کنم؛ به دو دلیل. یکی این‌که اصل انتخابات را نباید در کشور سست کرد، چون این انتخابات یک چیز ناموسی است برای کشور. اگر به تدریج شرکت نکنیم و ببینیم اهمیتی هم ندارد، می گویند انتخابات لازم نیست و یک کسی را می گذاریم کارها را پیش ببرد. یک نکته دومی وجود دارد و آن هم ابراز وجود یک مجموعه‌ای است. یک خاطره‌ای نقل کنم از آقای خاتمی. سال ۷۵، قبل از دوم خرداد ایشان می‌خواست بیاید انتخابات ریاست جمهوری. جمع ما را ایشان خواست در همان کتابخانه ملی که دفترش در خیابان آناهیتا بود در جردن و یک ناهار چلوکباب خوبی هم دادند در آن‌جا. هفت، هشت نفر بودیم، یعنی افراد اصلی کارگزاران. من بودم، مرحوم آقای نوربخش بود، آقای مهاجرانی بود، آقای نوری بود، آقای نجفی بود، آقای ابطحی و این‌ها هم بودند. ایشان گفت ما می‌خواهیم بیاییم و در انتخابات شرکت کنیم به‌عنوان ریاست جمهوری. من فکر کردم که اگر شما کمک نکنید، نمی‌توانم کاری کنم و نیایم.

به خاتمی گفتم مخالفم شما کاندیدا شوید زیرا...

آن‌جا همه دوستان، رفقای ایشان بودند، من هم شهردار بودم، خیلی به ایشان علاقه داشتیم، مثل الان که داریم. در شهرداری ما خیلی از ایشان دعوت می‌کردیم، در محافل جوان‌ها، خانم‌ها، در کارهای فرهنگی، مثلا افتتاح‌ها ایشان بیایند. بالاخره شخصیت قابل احترامی بود بعد از وزارت ارشاد. همه دوستان آن جلسه بالاتفاق تایید کردند که خیلی کار عالی‌ای است و بیایید. مرحوم آقای نوربخش خیلی استقبال کرد، آقای نجفی و یکی از آقایان حتی گفت اگر شما بیایید و جمع ما موافق نباشند، من اصلا از این جمع می‌آیم بیرون و می‌آیم دنبال شما و تقریبا همه تایید کردند. آقای نوری گفت من باید ببینم برنامه شما چیه؛ یک مقدار تردید کرد. بعد نوبت به من رسید، من گفتم من مخالفم شما بیایید. خیلی هم برایشان عجیب بود، چون ما خیلی با هم رفیق بودیم. گفت چرا؟ گفتم شما قبلا وزیر ارشاد بودید، از دوره آقای هاشمی. آقای هاشمی مخصوصا دوره اولش دنبال سازندگی و پروژه و نفت و نیروگاه و این چیزها بود. وزارت ارشاد برای آقای هاشمی پنج درصد حکومتش هم نبود، یعنی واقعا ایشان گرفتار بود در بازسازی بعد از جنگ و این‌ها.

به خاطر همین هم بعدا فرهنگ را کلا سپرد به میرسلیم.

گفتم شما در یک مسئولیتی بودید که حداکثرش پنج درصد کار دولت بود. شما در این پنج درصد اگر ۱۰ درصد با نظام و رهبری هماهنگ می‌شدید، یک کتابی را می گفتند چاپ نشود، یک فیلمی مثلا می گفتند فعلا اکران نشود، یک آدمی می گفتند نیاید و شماهم گوش می کردی دیگر لازم نبود استعفا دهی و جایش ما گرفتار آقای لاریجانی و میرسلیم بشویم. آن موقع اگر یادتان باشد، بعد از آقای خاتمی و این‌ها که آمدند، خیلی فضای افسرده‌ای شد فضای فرهنگی. شما نتوانستی هماهنگ شوی. حالا شما می‌خواهی بروی در یک پُستی که باید صددرصد کارهایت را، یعنی همه امور خودت را صددرصد با نظام و رهبری هماهنگ باشی؛ طبق قانون اساسی که نمی‌توانی خلاف آن عمل کنی. شما فرق کردی یا مثلا نظام و رهبری عوض شده‌اند؟ به نظر من هیچ کدام تفاوتی نکردند. شما می‌آیی و مشغول می‌شوی، چون رأی مردم را قطعا می‌آوری.

چون آن موقع ایشان مردد بود که رأی بیاورد. گفتم شما قطعا هم رأی می‌آوری و چون شما رأی دارید، به شما کاری ندارند، ولی در عوض با تمام ماها برخورد می‌کنند. البته آن‌جا گفتم می‌گیرند. آقای مهاجرانی را من دیدم در خارج از کشور، به من گفت فلانی، من هر وقت یاد آن جلسه می‌افتم، چون این‌ها را نوشته ام، قیافه تو برایم مثل این کاهن‌ها جلوه می‌کند، چون همه آن کسانی که در آن جلسه بودند، بعدا دچار مشکل شدند.

فرد سیاسی می خواهد که در حکومت باقی بماند

ایشان گفت ما که رأی نمی‌آوریم؛ ما حداقل چهار، پنج میلیون رأی می‌آوریم و می‌خواهیم با این چهار، پنج میلیون، کار سیاسی کنیم به‌عنوان یک پشتوانه. ملاک این است. یعنی یک وقت‌هایی شما لازم است بیایی و بگویی درست است، شما رفتی و آقای احمدی‌نژاد رأی آورده، ولی من هم ۱۶ میلیون یا چقدر رأی دارم در کشور و نمی‌شود مرا دست‌کم بگیری. یعنی یک جمعیت سیاسی، یک جناح سیاسی نمی‌تواند ساکت باشد.

این را اگر از منظر اهل سیاست می‌گویید پذیرفته است، ولی از منظر مردم ماجرا جور دیگری دیده می شود. مردم می‌گویند این‌ها می‌خواهند به هر قیمتی که شده در حکومت باقی بمانند.

معلوم است که افراد سیاسی می‌خواهند در حکومت باقی بمانند.

فعالیت سیاسی برای گرفتن قدرت است

بله اما مردم معتقدند چنین نگاهی خیلی نگاه منفعت‌طلبانه‌ای است.

بحث منفعت‌طلبی نیست. فعالیت سیاسی برای گرفتن قدرت است. حالا اسمش را منفعت می‌خواهید بگذارید، اسمش را خدمت می‌خواهید بگذارید، اسمش را تحول و چنج بگذارید؛ هر چیزی که می‌خواهید بگذارید. کسی که می‌آید، برای این می‌آید، ولی اگر شما بگویی وقتی تو بیا که می‌دانی پیروز می‌شوی. در سیاست هیچ چیز قطعی نیست. شما یک وقتی می‌بینی جمعیتی می‌آید، می‌بینی می‌توانی در تبلیغات برنده شوی، می‌توانی به مردم این اعتماد را بدهی؛ یک وقت هم می‌بینی نه، مثلا یک دولتی روی کار است. همیشه اینطوری نیست. بالاخره هر دولتی همه مسائل را که نمی‌تواند حل کند؛ چند مساله حل نشده می‌ماند. آن نفری که می‌خواهد با شما رقابت کند، روی این چند مساله حل نشده شما زوم می‌کند، در افکار عمومی هم اثر می‌گذارد و به شما رأی نمی‌دهند؛ مثل همه جای دنیا. الان در مهد دموکراسی در آمریکا را نگاه کنید. بالاخره دموکرات‌ها می‌آیند و یک کارهایی را می‌توانند حل کنند و مردم طرفدارشان می‌شوند؛ حالا از نظر اقتصادی.

پزشکیان از صادق ترین آدم هایی است که در معرض افکار عمومی قرار گرفته است

بحث خارجی‌ها می‌ماند؛ آن می‌گوید من خارجی را بیرون می‌کنم، این می‌گوید نه، مسائل انسانی من است. یعنی بالاخره این تداول قدرت، دست به دست شدن قدرت همیشه روی نقطه ضعف‌ها و کارهای انجام‌نشده یک جناحی است. حالا این‌که بگویند این می‌خواهد بماند در پستش و در حکومت، این از بدبینی‌ای است که متاسفانه بر اثر عملکردهای یا فاسد و یا منفعت‌طلبانه، مردم پیدا کرده‌اند. الان آقای پزشکیان؛ به نظر من یکی از صادق‌ترین آدم‌هایی است که در این کشور در معرض افکار عمومی قرار گرفته است.

واقعا شما هیچ سوءاستفاده‌ای، عدم صداقتی، دروغگویی و هیچ چیزی نمی‌توانید در کارنامه این آدم پیدا کنید. این آدم آمده یک خدمتی بکند. شاید خیلی‌ها بگویند این‌ها جنگ قدرت با هم دارند. در حالی که واقعا اینطوری نیست. یا مثال آقای خاتمی یا آقای هاشمی؛ شما نمی‌توانید متهم کنید که این‌ها جنگ قدرت داشتند.

گرفتاری های اقتصادی مردم را عصبانی کرده است

این روزها از خیلی ها می پرسم رأی می‌دهید یا نه؟ اکثرا می‌گویند به هیچ وجه رأی نمی‌دهیم، ولی اگر رأی بدهیم، به پزشکیان رأی می‌دهیم. این را تهدید می‌دانید یا فرصت؟

حتما این یک فرصت است، ولی بدبینی‌ای که در مردم ایجاد شده در اثر حوادث این سال ها بوده، مخصوصا در این سال‌ها. گرفتاری‌های اقتصادی خیلی مردم را ناامید می‌کند، مردم را عصبانی می‌کند. ما یک گزارشی در هم‌میهن‌داشتیم که یکی از عصبانی‌ترین و پرخشم‌ترین ملت‌های دنیا را داریم. شاید بعد از ما، سودان و عراق اگر اشتباه نکنم باشند. یعنی ما ملت را عصبانی کردیم، ملت را ناراحت کردیم. حالا فشار خارجی بوده، سوءمدیریت بوده یا هر چیزی که بخواهیم اسمش را بگذاریم. یک بخشی از رأی‌ندادن‌ها معلول عصبانیتی است که بخشی از آن مربوط به مسائل اقتصادی است، بخشی هم مسائلی است که دائم ما تعمد داریم که انگار مردم را عصبانی کنیم، در زندگی شخصی‌شان، در مسائل خصوصی‌شان، در آنچه به آن علاقه دارند.

> **الان آقای پزشکیان؛ به نظر من یکی از صادق‌ترین آدم‌هایی است که به‌عنوان مدیر در این کشور در معرض افکار عمومی قرار گرفته است. واقعا شما هیچ سوءاستفاده‌ای، عدم صداقتی، دروغگویی و هیچ چیزی نمی‌توانید در کارنامه این آدم پیدا کنید. این آدم آمده یک خدمتی بکند. شاید خیلی‌ها بگویند این‌ها جنگ قدرت با هم دارند. در حالی که واقعا اینطوری نیست. یا مثال آقای خاتمی یا آقای هاشمی؛ شما نمی‌توانید متهم کنید که این‌ها جنگ قدرت داشتند.**

فردوسی پور نه مدعی سیاست است نه می خواسته کاره ای شود، چرا با او برخورد می کنند؟

فرض کنید خدا رحمت کند؛ آقای شجریان. مثلا یک دعای افطاری می‌خوانده و مردم سال‌های سال با این عشق می‌کردند. اصلا تعمد داریم این را قطع کنیم که مردم از روی موبایلشان این را گوش دهند. خیلی چیزهای دیگر اینطوری است. حالا فرض کنید الان مثلا یک خواننده‌ای، یک نویسنده‌ای، یک روزنامه‌ای، یک سایتی؛ تا مردم به آن اقبال می کنند، شما فورا با آن برخورد می کنید.

آقای فلاحت پیشه صراحتا در مجلس گفت مشکل عادل فردوسی پور از منظر بالادستی ها محبوبیت بیش از اندازه ایشان است. همین عادل فردوسی پور نه مدعی سیاستی است، نه هیچ وقت می‌خواسته کاره‌ای شود؛ یک جوان خودساخته‌ای است که آمده و با این همه معلومات ورزشی و غیرورزشی اش مورد توجه مردم قرار گرفته. چرا با او برخورد می‌کنند؟ یک جایی مردم اگر احساس کنند که یک کسی همراهشان است در این خشم و عصبانیت؛ احساس می کنند دیگر تنهانیستند.

به پزشکیان می گویم خودت باش

یعنی اگر قرار باشد به آقای پزشکیان توصیه کنید، می‌گویید عصبانی باش؟

نه؛ به او می گویم خودت باش. به هر حال ایشان آدم با احساس مسئولیتی است و از ما شاید بیشتر. کسی که ۱۶ سال، ۱۸ سال در مجلسی باشد و دائم آن‌جا حرص بخورد؛ در کمیسیونی بنشیند و بگوید حرف درست این است. یعنی خیلی از حرف‌هایی که ایشان الان در مجلس زده، الان کلیپ انتخاباتی‌اش است. من به خیلی‌ها می‌گویم به برنامه تلویزیونی ایشان نگاه نکنید. این می‌آید و به خاطر رأی و این‌ها می‌گوید؛ آن حرف‌هایی که نه برای رأی، بعد از رأی‌آوردن در مجلس گفته شده مهم است چون که خیلی وقت‌ها همان حرف‌ها باعث رد صلاحیت نماینده می‌شود، اما نماینده ای مثل پزشکیان ریسک می کند و آن حرف‌ها را می‌زند.

به کسی رأی دهیم که تورم را بالا نبرد، روی اعصاب مردم راه نرود، یقه مردم را در خیابان نگیرد

نگفتید چطور می‌شود مردم را مجاب کرد که به پزشکیان رأی دهند در این فرصت کوتاه؟

ما نمی‌توانیم آن‌ها را مجاب کنیم، باید خودشان مجاب شوند. یعنی این‌که ما بخواهیم به زور مردم را مجاب کنیم که نمی‌شود.

مثلا فکر کنید من برای رای دادن تردید دارم و شما بخواهید من را قانع کنید که بر این تردید غلبه کنم و بیاییم به پزشکیان رأی دهم. چه می‌گویید؟

من واقعا همین را می گویم و اگر کسی دیگر هم بیاید، همین را می گویم. من گفتم اصلا دنبال این نیستم که کسی کاری برای ما، شما یا بقیه انجام دهد؛ به یک کسی رأی دهیم که کار بدی برایمان نکند، یعنی تورم را بالا نبرد، روی اعصاب مردم راه نرود، دائما در خیابان یقه مردم را نگیرد، دائما به احزاب و گروه‌ها و سیاسیون...

امیدوارم پزشکیان بتواند با حاکمیت تعامل کند

اگر فرضا آقای پزشکیان بیاید بالا، آن وقت آن تعامل را می‌تواند با رهبری و بقیه حاکمیت داشته باشد؟

ولی از خاتمی کمتر اصطحکاک پیدا می‌کند با...

بله، چون حساسیت آن موقع با الان فرق می‌کرده و من فکر می‌کنم الان هر دو طرف این تیزی‌هایشان یک مقدار ساییدگی پیدا کرده، یعنی جناح‌های سیاسی را می‌گویم. به نظر من همه به واقعیت داریم بیشتر نزدیک می‌شویم، بیشتر واقع‌بین می‌شویم، همه احساس می‌کنیم بیشتر باید همدیگر را تحمل کنیم؛ هر کسی بالاتر است، پایین‌تر است، بالاخره او باید توجه کند که مردم یک نظری دارند، یک عقیده‌ای دارند، ولی این تا داخل بدنه بیاید، ممکن است یک چیزهایی این وسط اتفاق بیفتد.

این‌که الان دستور می‌دهند به دختر مردم، به زن مردم؛ این‌ها باید مسائل فرهنگی حل شود، ولی یک عده‌ای حساسیت نشان می‌دهند و امیدوارم بتواند. خود ایشان که در این زمینه خیلی مصمم است و خیلی از این جهت هم شاید مورد انتقاد خیلی‌ها است که چرا در صحبتش اینقدر می گوید ما مجریان مثلا...

اقدام می‌کنند. به نظر من این شاید برخلاف آن صحبت‌ها است، چون آدم نمی‌تواند بگوید این صحبت‌ها روی ظاهرسازی است و واقعی نیست و این حرف‌ها؛ چنین بینشی نمی‌تواند آدم داشته باشند.

انتخابات را می‌توانید پیش‌بینی کنید؟

بستگی به شرکت مردم دارد. مردم اگر شرکت کنند، به نظر من...

مشارکت احتمالا بیش از ۵۰ درصد باشد

امیدواری شما چقدر است؟

من الان اگر بخواهیم حساب کنیم، بیش از ۵۰ درصد. من الان بیشتر فکر می‌کنم، یعنی اگر بخواهیم درصد حساب کنیم، من الان احتمال این‌که مردم بیشتر شرکت کنند را بیش از ۵۰ درصد می‌دهم با توجه به برداشت‌هایی که دارم. یک نکته خوبی که الان است، این است که بخش عظیمی از نیروهای سیاسی، نه نیروهای عادی؛ نیروهای سیاسی به این نتیجه رسیده‌اند که از نیامدن و شرکت نکردن و این‌ها آبی گرم نمی‌شود. حالا این‌که آیا مردم باز به این سیاسیون اعتماد می‌کنند، باز حرف آقای خاتمی و بقیه را گوش می‌دهند یا نه؛ با توجه به این‌که چند بار گوش دادند و دیدند مثلا...

به نظرتان انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود؟

احتمالش زیاد است، یعنی اینطوری به نظر می‌آید. بعید است که یک موج آنقدر بلندی ایجاد شود.

اگر به دور دوم بکشد، ممکن است موج اتفاق بیفتد؟

همیشه در دوم، امیدواری‌ها بیشتر می‌شود.

الان بعضی ها می‌گویند شورای نگهبان ترکیب را به نحوی چیده که حتما آقای پزشکیان رئیس جمهور شود.

به نظرم خطای محاسباتی بیشتر محتمل است. فکر نمی‌کنم.

در سه انتخابات گذشته، انتخابات خوبی نداشتیم. ظاهرا دغدغه مردم، انتخابات نیست. برای ترغیب مردم چه راهکاری دارید؟

اینقدر سطح نارضایتی و خشم عمومی گسترده است، گاهی فکر می‌کنم هر چقدر این رادیو و تلویزیون مردم را به شرکت‌کردن در انتخابات تشویق نکنند، به نظر من شاید انگیزه مردم بیشتر شود.

رئیس جمهور شدن قالیباف یا جلیلی اتفاق خوبی نیست

اگر قالیباف رئیس جمهور شود، خیلی اتفاق بدی می‌افتد؟ یعنی خیلی فاجعه است؟

به نسبت باید حساب کنیم. اتفاق خوبی نیست به نظر من.

ولی به جلیلی ترجیحش می‌دهید؟

به نظر من هر دو یکسری چیزها دارند که خیلی به نفع کشور نیست، ولی این تفاوت همان ضرب‌المثلی است که بین چی و چی است. یک وقت‌هایی آدم احساس می‌کند یک کسی آدم ناتوانی است، ولی بالاخره یک مقدار نجابتی در او ممکن است آن را جبران کند، ولی در یک طرف دیگر می‌بینید توانایی هست، ولی آن درجه نجابت به آن حد نیست. یک وقت‌هایی اینطوری آدم فکر می‌کند. نمی‌دانم.

آیا اصلاح‌طلبان سیگنال مثبتی گرفته‌اند که این قدر جدی وارد میدان شده‌اند؟

به هر حال خود تایید آقای پزشکیان یک سیگنالی است، ولی این‌که این سیگنال فقط به حضور است یا به این‌که بعدش هم مثلا یک تعاملی صورت می گیرد نمی دانم.

هر کار سیاسی ریسک دارد

فکر نمی‌کنید ریسک بزرگی بوده که الان همه توانایی‌تان را از کارگزاران تا خود آقای خاتمی گذاشته‌اید پشت سر آقای پزشکیان؟ فکر نمی کنید اگر ایشان رأی نیاورد و یا رأی خیلی پایینی بیاورد، آن وقت به شما خواهند گفت شما هیچ اقبالی ندارید؟

هر کاری بالاخره یک ریسکی دارد. کسی که کار سیاسی می کند باید ریسک پذیر باشد وگرنه اصلا نباید وارد این حوزه ها شود.

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲